

فیلم سینمایی «کجاست» در راه جشنواره‌های جهانی

فیلم سینمایی «کجاست» به نویسندگی و کارگردانی جواد کراچی به جشنواره‌های بین‌المللی فیلم در پاریس و رم نمایش داده می‌شود. فیلم سینمایی کجاست که در جشنواره فیلم Paris lift-Off در پاریس منتخب شده، برای مخاطبان سراسر دنیا به شکل برخط و فیزیکی در این ماه نمایش داده می‌شود. این فیلم سینمایی به جشنواره دیگری در اروپا راه یافته و قرار است در جشنواره (Rome Prisma)؛ جشنواره

شش خاطره بایک‌بلیت

به مناسبت روز ملی سینما خاطرات جمعی از پیشکسوتان و سینماگران باسابقه را مرور کردیم

در سال ۱۲۷۹ شمسی بعد از ورود دستگاه سینماتوگراف به ایران ، تاریخ متفاوتی برای مردم و سینمای ایران رقم خورد و پس از آن مجموعه‌ای از سرگرمی و مفاهیم انسانی و اجتماعی از راه سینما به مخاطبان منتقل شد. پس از انقلاب، سینما ابزاری برای انتقال دیپلماسی فرهنگی از کشورمان به دیگر کشورها بوده است. راهبرد تعامل فرهنگی با کشورها از راه سینما،

یکی از موثرترین ابزارهای تأثیرگذاری بر افکار عمومی است و سینمای ایران در این زمینه خوش‌درخشیده است. اصلا بسیاری از مردم دنیا ایران را با سینمایش می‌شناسند؛ سینمایی که باوجود فرازوفرودهای بسیار، امروز در عرصه جهانی و داخلی حرف اول را می‌زند. سینمایی که بستری برای پرورش سینماگران بزرگ شد که بعدها بیش از پیش توانستند آوازه آن را در جهان مطرح‌کنند. امروز سینما باگذرازدوران کرونا، خوشبختانه به رونق خوبی از لحاظ فروش و مخاطب رسیده و اوضاع مطلوبی دارد؛ بنابراین، روز سینما بهانه خوبی بود که با هنرمندان فعال این عرصه درباره چگونگی تجربه اولین مواجهه با سینما همکلام شویم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.



نسرین بختیاری گروه فرهنگ‌و هنر

کشورها بوده است. راهبرد تعامل فرهنگی با کشورها از راه سینما، یکی از موثرترین ابزارهای تأثیرگذاری بر افکار عمومی است و سینمای ایران در این زمینه خوش‌درخشیده است. اصلا بسیاری از مردم دنیا ایران را با سینمایش می‌شناسند؛ سینمایی که باوجود فرازوفرودهای بسیار، امروز در عرصه جهانی و داخلی حرف اول را می‌زند. سینمایی که بستری برای پرورش سینماگران بزرگ شد که بعدها بیش از پیش توانستند آوازه آن را در جهان مطرح‌کنند. امروز سینما باگذرازدوران کرونا، خوشبختانه به رونق خوبی از لحاظ فروش و مخاطب رسیده و اوضاع مطلوبی دارد؛ بنابراین، روز سینما بهانه خوبی بود که با هنرمندان فعال این عرصه درباره چگونگی تجربه اولین مواجهه با سینما همکلام شویم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

اولین تجربه مواجهه‌ام با سینما در کودکی بود

ابراهیم وحیدزاده، کارگردان قدیمی سینما درباره چگونگی آشنایی‌اش با جادوی سینما گفت: من پسر بزرگ خانواده بودم و پدرم در مشهد‌گلدوزی داشت و کنار او کار می‌کردم، وقتی می‌خواست خستگی کار را از تن بیرون کند، من را به‌طور تقریبی هرسب سینما می‌برد و در هفته حداقل پنج فیلم می‌دیدیم و به شکل هفتگی فیلم‌ها تغییر می‌کرد و دوباره این چرخه ادامه پیدا می‌کرد. این اولین تجربه مواجهه من با جادوی سینما بود و بعد کم‌کم که دبستان رفتم، باپچه‌های کوچ‌ه روزهای تعطیل چادر مادر را از این طرف به آن طرف دیوار متصل و بخشی از خانه را به صحنه نمایش تبدیل و بداهه اجرا می‌کردیم و چند نفر از رفا که تماشاجی ما بودند. این علاقه پیش آمد تا این‌که به سوم دبیرستان رسیدم. به پدرم اصرار کردم مرا به تهران بفرستد تا در هنرستان هنرپیشگی تحصیل کنم، او قبول نکرد و گفت شما هم باید ریاضی بخوانی. به دلیل این‌که حمایت پدرم را برای آمدن به تهران داشته باشم، ریاضی خواندم. برای‌کنکور معماری به دانشکده‌هنرهای زیبارفتم ورد شدم. تلاش کردم کاری برای خودم انجام دهم و شنیدم عده‌ای آلمان می‌روند و با کارکردن پولدار می‌شوند. تصورم در آن زمان نسبت به برخورداری از صنعت سینما، آمریکا بود و فکر نمی‌کردم که در آلمان بتوانم کار سینما را انجام دهم. قبل از این موضوع اشاره کنم که نصرت کریمی فیلمی درباره نگاهگری‌های شاهنامه ساخت و این موجب شوق و ذوقم شد که یک ایرانی چنین کاری را انجام داده است. بعد از آن یکی از دوستانم که در وزارت فرهنگ و هنر آن زمان کار تدوین فیلم انجام می‌داد به من از



آقا حسین زاده

ابراهیم وحیدزاده، کارگردان قدیمی سینما درباره چگونگی آشنایی‌اش با جادوی سینما گفت: من پسر بزرگ خانواده بودم و پدرم در مشهد‌گلدوزی داشت و کنار او کار می‌کردم، وقتی می‌خواست خستگی کار را از تن بیرون کند، من را به‌طور تقریبی هرسب سینما می‌برد و در هفته حداقل پنج فیلم می‌دیدیم و به شکل هفتگی فیلم‌ها تغییر می‌کرد و دوباره این چرخه ادامه پیدا می‌کرد. این اولین تجربه مواجهه من با جادوی سینما بود و بعد کم‌کم که دبستان رفتم، باپچه‌های کوچ‌ه روزهای تعطیل چادر مادر را از این طرف به آن طرف دیوار متصل و بخشی از خانه را به صحنه نمایش تبدیل و بداهه اجرا می‌کردیم و چند نفر از رفا که تماشاجی ما بودند. این علاقه پیش آمد تا این‌که به سوم دبیرستان رسیدم. به پدرم اصرار کردم مرا به تهران بفرستد تا در هنرستان هنرپیشگی تحصیل کنم، او قبول نکرد و گفت شما هم باید ریاضی بخوانی. به دلیل این‌که حمایت پدرم را برای آمدن به تهران داشته باشم، ریاضی خواندم. برای‌کنکور معماری به دانشکده‌هنرهای زیبارفتم ورد شدم. تلاش کردم کاری برای خودم انجام دهم و شنیدم عده‌ای آلمان می‌روند و با کارکردن پولدار می‌شوند. تصورم در آن زمان نسبت به برخورداری از صنعت سینما، آمریکا بود و فکر نمی‌کردم که در آلمان بتوانم کار سینما را انجام دهم. قبل از این موضوع اشاره کنم که نصرت کریمی فیلمی درباره نگاهگری‌های شاهنامه ساخت و این موجب شوق و ذوقم شد که یک ایرانی چنین کاری را انجام داده است. بعد از آن یکی از دوستانم که در وزارت فرهنگ و هنر آن زمان کار تدوین فیلم انجام می‌داد به من از

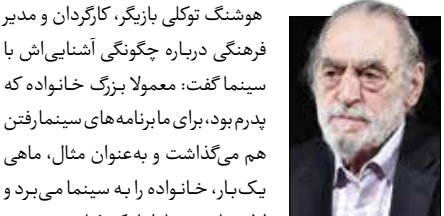
ابراهیم وحیدزاده، کارگردان قدیمی سینما درباره چگونگی آشنایی‌اش با جادوی سینما گفت: من پسر بزرگ خانواده بودم و پدرم در مشهد‌گلدوزی داشت و کنار او کار می‌کردم، وقتی می‌خواست خستگی کار را از تن بیرون کند، من را به‌طور تقریبی هرسب سینما می‌برد و در هفته حداقل پنج فیلم می‌دیدیم و به شکل هفتگی فیلم‌ها تغییر می‌کرد و دوباره این چرخه ادامه پیدا می‌کرد. این اولین تجربه مواجهه من با جادوی سینما بود و بعد کم‌کم که دبستان رفتم، باپچه‌های کوچ‌ه روزهای تعطیل چادر مادر را از این طرف به آن طرف دیوار متصل و بخشی از خانه را به صحنه نمایش تبدیل و بداهه اجرا می‌کردیم و چند نفر از رفا که تماشاجی ما بودند. این علاقه پیش آمد تا این‌که به سوم دبیرستان رسیدم. به پدرم اصرار کردم مرا به تهران بفرستد تا در هنرستان هنرپیشگی تحصیل کنم، او قبول نکرد و گفت شما هم باید ریاضی بخوانی. به دلیل این‌که حمایت پدرم را برای آمدن به تهران داشته باشم، ریاضی خواندم. برای‌کنکور معماری به دانشکده‌هنرهای زیبارفتم ورد شدم. تلاش کردم کاری برای خودم انجام دهم و شنیدم عده‌ای آلمان می‌روند و با کارکردن پولدار می‌شوند. تصورم در آن زمان نسبت به برخورداری از صنعت سینما، آمریکا بود و فکر نمی‌کردم که در آلمان بتوانم کار سینما را انجام دهم. قبل از این موضوع اشاره کنم که نصرت کریمی فیلمی درباره نگاهگری‌های شاهنامه ساخت و این موجب شوق و ذوقم شد که یک ایرانی چنین کاری را انجام داده است. بعد از آن یکی از دوستانم که در وزارت فرهنگ و هنر آن زمان کار تدوین فیلم انجام می‌داد به من از

کارگردانان مستقل درایتالیانیز به نمایش درآید. فیلم سینمایی کجاست قصه خود را در ۹۰ دقیقه روایت می‌کند و مراحل ساخت آن در شهرهای دوسلدورف، برلین، روترنبروک آلمان و شهر آفریچنتو در ایتالیا فیلمبرداری شده و گروه «کاژادل موزیکا» هم در آن بازی کرده‌اند اوایل تابستان سال جاری مراحل فنی فیلم به پایان رسیده است. خانه تئاتر شهر دوسلدورف سهم بزرگی در ساخته‌شدن این اثر داشته، همچنین مرکز یادبود روناژنبروک دوران خودش بود. بعد از دیدن این فیلم با معلم صحبت کردم و او گفت: «این همان جادوی سینماست.» بعد از گنج قارون، فیلم‌های ساموئل خاچیکیان هم‌ا تأثیرگذارترین فیلم‌های دوران نوجوانی‌ام بود و سینمای اخلاقی و سالمی داشتند. این بازیگر با اشاره به این‌که همیشه دوست داشتم کارگردانی کنم، گفت: همیشه توان بهتری برای تولید یک اثر داشتم و اکثر کارهایم گزیده بود و حتما باید با آنها ارتباط برقرار می‌کردم و ۸۰ درصد کارهایی که انجام دادم راضی‌ام.

به‌یادماندنن‌ترین خاطره‌ام از سینما مربوط به «تاوریش» است

احمد نجفی، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون به خبرنگار جام جم از چگونگی ورودش به عرصه سینما گفت: ورودم به دنیای سینما را به‌عنوان یکی از عجیب‌ترین و به‌یادماندنن‌ترین خاطرات دوران سینمایی خود معرفی کرد و گفت: خاطره‌ای جالبی که از سینما دارم به فیلم تاوریش برمی‌گردد؛ فیلمی که مهدی فخیم‌زاده علاوه‌بر کارگردانی، بازیگرش بود. البته من هم علاوه‌بر بازیگری، تهیه‌کننده این فیلم بودم.

تاوریش خارج از مرزهای ایران تولید شد و در شرایطی فیلم را تولید می‌کردیم که هیچ امکاناتی نبود و گروه تولید حتی به امکانات اولیه مثل آب هم دسترسی نداشتند، چون همزمان با سال اول فروپاشی شوروی ما این فیلم را می‌ساختیم و فقط اراده ما باعث شد این فیلم را بسازیم. این عجیب‌ترین کاری بود که در زندگی انجام دادم که در جایی که حتی سوخت هم نداشتیم و ۲۰ هزار لیتر سوخت را از ایران به محل فیلمبرداری می‌بردیم. او دادم درباره آینده سینما و اولویت‌هایی که مدیران سینمایی باید به آن رسیدگی کنند، خاطرنشان کرد: اعتقاد دارم که باید سینما در عرصه‌های مختلف رویه جلو حرکت کند و مشخص شود ساختار سینمای ما چگونه است؟ علاوه‌بر این، سینما وجه‌های مختلف دیگری نیز دارد که مهم‌ترین آنها وجه زیرساختی سینماست که شامل سالن‌های سینماست که جوابگوی تعداد فیلم‌های تولیدی در سینما نیستند و همیشه نابرابری در زمان اکران فیلم‌ها پیش می‌آید. به بیانی دیگر، با بخشنامه نمی‌توان سینما را درست کرد، متأسفانه در سینما در بخش‌هایی زیاده‌روی می‌کنیم یا در جای دیگر معاری عمل می‌کنیم و باید از افراط و تفریط دوری کنیم. همچنین باید به فرآیند ساختن فیلم‌ها دقت بیشتری شود، چون می‌بینیم فیلم‌های زیرزمینی، روی زمین ساخته می‌شوند که در جشنواره‌های خارجی به نمایش در می‌آیند که باعث توهین و تحقیر جامعه ایرانی و به خصوص جامعه فرهنگی ما می‌شود.



هوشنگ توکلی بازیگر، کارگردان و مدیر فرهنگی درباره چگونگی آشنایی‌اش با سینما گفت: معمولا بزرگ خانواده که پدرم بود، برای ما برنامه‌های سینما رفتن هم می‌گذاشت و به‌عنوان مثال، ماهی یک‌بار، خانواده را به سینما می‌برد و اولین بار سینما را با یک فیلم مصری در پنج سالگی که دستم در دست پدر و مادرم بود، ساختم. بهترین فیلم‌های آن موقع از مصر می‌آمد و خیلی هم از آن استقبال می‌شد و گاهی با پدرم برای بلیت‌گرفتن مجبور بودیم در صف بایستیم. وقتی از سینما بیرون آمدم این دنیای جادویی نه فقط روی من، بلکه روی بسیاری از کسانی که فیلم‌ها را می‌دیدند، تأثیر می‌گذاشت. خاصیت هنر این است‌که احساس همذات‌پنداری طبیعی انسان را تحریک و او را به فردی خلاق تبدیل می‌کند. او ادامه داد: همیشه فکر می‌کردم امکان این وجود دارد اگر بزرگ شدم، این شوق را به هنر تبدیل کنم تا این‌که به‌تدریج به کمک معلمان توانستیم در این راه قدم برداریم. پدرم خیلی روی کتاب‌خوانی تأکید می‌کرد و در واقع نوعی فعالیت‌های ترکیبی از نظر فرهنگی- هنری برای ما فراهم می‌شد و نقاشی می‌دیدیم و موسیقی گوش می‌کردیم. در ۱۵ سالگی معلم داشتم که با توجه به انشاهای خوب مرا راهنمایی کرد که استعداد خوبی دارم و اگر آن را دنبال کنم، به موفقیت می‌رسم. این مقدمات اولیه برای هدایت درستم بود.

توکلی بااشاره به بارقه‌های شروع سینما در ایران عنوان کرد: سینما در ایران بیشتر از راه هنرمندان و گویندگان رادیو آغاز شد، چون تنها وسیله ارتباطی مردم قبل از ورود سینما و تلویزیون به ایران بود. در مرحله بعد نیروهای دیگری وارد سینما شدند و بسیاری از فیلم‌هایی که آن زمان ساخته می‌شد، تحت‌تأثیر سینمای هند یا مصر بود و به‌طور طبیعی کارگردانان سعی می‌کردند داستان‌هایی را انتخاب کنند که متأثر از این داستان‌های موفق بود. در آن زمان سینمای آمریکا هم وارد ایران شده بود و سینمای دهه ۴۰ آمریکا خیلی روی فیلمسازان تأثیر گذاشت و به‌طور معمول هر چندسال یک‌بار یک فیلم شاخص می‌شد. در دهه ۴۰ مهم‌ترین

کارگردانان مستقل درایتالیانیز به نمایش درآید. فیلم سینمایی کجاست قصه خود را در ۹۰ دقیقه روایت می‌کند و مراحل ساخت آن در شهرهای دوسلدورف، برلین، روترنبروک آلمان و شهر آفریچنتو در ایتالیا فیلمبرداری شده و گروه «کاژادل موزیکا» هم در آن بازی کرده‌اند اوایل تابستان سال جاری مراحل فنی فیلم به پایان رسیده است. خانه تئاتر شهر دوسلدورف سهم بزرگی در ساخته‌شدن این اثر داشته، همچنین مرکز یادبود روناژنبروک دوران خودش بود. بعد از دیدن این فیلم با معلم صحبت کردم و او گفت: «این همان جادوی سینماست.» بعد از گنج قارون، فیلم‌های ساموئل خاچیکیان هم‌ا تأثیرگذارترین فیلم‌های دوران نوجوانی‌ام بود و سینمای اخلاقی و سالمی داشتند. این بازیگر با اشاره به این‌که همیشه دوست داشتم کارگردانی کنم، گفت: همیشه توان بهتری برای تولید یک اثر داشتم و اکثر کارهایم گزیده بود و حتما باید با آنها ارتباط برقرار می‌کردم و ۸۰ درصد کارهایی که انجام دادم راضی‌ام.

هنوز شور و هیجان را در نسل جدید نسبت به سینما می‌بینم

بهرام دهقانی، تدوینگر باسابقه سینما درباره چگونگی درگیرشدن با هنر هفتم گفت: من بعد از دیپلم در رشته سینما مشغول به تحصیل شدم و علاقه‌مند بودم که این رشته را پیگیری کنم و گرایشم هم در دانشکده رشته تدوین بود و این همزمان با بعد از سال ۱۳۵۷ بود که سینما مدتی فعال نبود. اوایل دهه ۶۰ که کارهای فیلمسازی دوباره راه افتاد؛ من هم مانند بسیاری از همکارانم در مشاغل مختلف در فیلم‌های مختلف فرصتی برای کار به دست آوردم و وارد این عرصه شدم. تدوینگر فیلم «خیلی دور، خیلی نزدیک» ادامه داد:

مجموعه‌ای از کار تدوین و تحصیل در این زمینه بخشی از این تجربه زیسته را تشکیل می‌دهد و واقعا جای این نیست که با جزئیات در رابطه با این مقوله صحبت کنیم. واقعیت این است که در طول این سال‌ها تجربیاتی پیدا کرده‌ام که شامل تجربه‌های تلخ و شیرین است، اما تجربیات خوب بیشتری نسبت به تجربه‌های تلخ داشتم. او در رابطه با این‌که چه توصیه‌ای به جوانانی که دوست دارند حرفه تدوین سینمایی را یاد بگیرند، گفت: من همین رشته را در دانشگاه درس می‌دهم و با دانشجویان به شکل مستقیم برای آموزش و تجربه در ارتباطم و این ارتباط خیلی خوب و سازنده است. نکته جالب آن‌که بیش از نیم‌قرن از زمانی که دلم می‌خواست در سینما تحصیل کنم می‌گذرد؛ اما همچنان این شور و هیجان را در نسل جوان میان دختران و پسران می‌بینم. دهقانی در پایان درباره انتخاب ۲۱ شهرویر به‌عنوان روز سینما یادآوری کرد: به نظرم این روز هیچ سختی یا هیچ اتفاقی که در تاریخ سینمای ایران افتاده باشد، ندارد و به نظرم دلیل دیگری پشت آن نیست.

معلم وهمکلاسی‌ام مرا عاشق سینما کرد

بژمان بازژی، بازیگر سینما و تلویزیون درباره چگونگی ورود به سینما گفت: دوران کودکی من در منطقه جنگی، به‌دور از فامیل و اقوام و در دیار داغ بوشهر گذشت. بخشی از زندگی ما با شیطنت و فتیال می‌گذشت و چون پدرم نظامی‌وبه کتاب علاقه‌مند بود، ما هم ساعاتی را مطالعه و کتاب‌خواندن می‌گذرانیدم. در زمان‌هایی که می‌خواندم با قهرمان‌های داستان همذات‌پنداری می‌کردم و کم‌کم علاقه‌ام به بازیگری شکل گرفت. در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ که سال‌های پایانی دبیرستان را طی می‌کردم، دو ماجرا اتفاق افتاد که من را بیشتر به ادبیات و هنر علاقه‌مندکرد. اولین عامل دبیر ادبیات‌مان آقای شعاعی بود که به رحمت خدا رفته‌اند و برایشان آرزوی آرامش و آموزش دارم و دومین عامل نیز همکلاسی‌ام بود که ایشان هم در جوانی از دنیا رفته‌اند؛ آقای امیر بدرطالعی که پدرشان، زنده‌یاد احمد بدرطالعی نیز از بازیگران معروف تئاتر گیلان بوده و خانواده بدرطالعی در گیلان معروف هستند. امیر بدرطالعی همکلاسی ما بود و علاقه‌او به ادبیات و هنر بازیگری باعث شد ما هم کم‌کم جذب این هنر شویم و آن را دنبال کنیم. حدود سال‌های ۱۳۷۰ انجمن سینمای جوان مرجع و محل



که کوره‌های آدم‌سوزی دوران هیتلر در آن هست هم در تولید این اثر همکاری کرده است. نقش اول این فیلم را کاتلین باومن، عضو دائم خانه تئاتر دوسلدورف بازی کرده است. سایر عوامل فیلم عبارتند از: فیلمبردار جواد کراچی، آهنگسازی و موسیقی فیلم فرانک بالسترچی از فرانسه، تصحیح رنگ مالای رای از هندوستان، مهندسی صدا و مدیرتولید فیلم رضا دلیاک، مسائل فنی صدا رضا گادراگر.



رجوع علاقه‌مندان به بازیگری بود. البته بخش‌های نمایشی خیلی در شهرستان‌ها فعال نبود و متأسفانه در حال حاضر سینمای جوان در شهرستان‌ها مانند آن دوره فعال نیست. آن دوره در شهرستان‌ها جشنواره‌های منطقه‌ای برگزار می‌شد و زمینه‌ای برای فیلمسازی جوانان فراهم آمده بود. تئمر کارها مانند دوره حاضر بر پایتخت نبود و علاقه‌مندان می‌توانستند در شهرستان‌ها هم به علایق خودشان بپردازند و کارهایی را که مایل بودند، انجام دهند. او ادامه داد: فرهاد مهرانفر عزیز، کارگردان و نادر معصومی کسانی بودند که در آن سال‌ها پیش آنها شاگردی کردم و فراوان از آنها آموختم. بازژی یادآوری کرد: در دوره ما ورود به سینما این قدر سهل و آسان نبود، باید تلاش می‌کردیم، زحمت می‌کشیدیم و رنج می‌بردیم تا بتوانیم خودمان را ثابت کنیم. در آن دوره منتقدان مانند امروز علاقه‌مند به حضور جوانان در سینما نبودند؛ باید می‌جنگیدیم، حرف می‌شنیدیم و سکوت می‌کردیم و چیزهایی را یاد می‌گرفتیم که امروز در سینما ایران اتفاق نمی‌افتد؛ چیزهایی مانند احترام به بزرگ‌تر، راه‌وروش کار در سینما... و ازجمله اموری بود که ما آن را یاد می‌گرفتیم و در سینمای امروز ایران به پچه‌ها آموزش داده نمی‌شود.

سینما یک معجزه است

مسعود سخاوت‌دوست که آهنگسازی بسیاری از فیلم‌ها از جمله «تمساح خونی» و «موقعیت مهدی» را به‌عهده داشته، گفت: باتوجه به این‌که تخصصم آهنگسازی بود، اما آهنگسازی برای آثار نمایشی، از راه تار بود که وارد حوزه موسیقی شدم و نخستین آثارم مربوط به



نمایش می‌شد و بلافاصله با پیشنهاد دوستانم که تازه از قزوین به تهران رفته بودند و کار سینمایی انجام می‌دادند، وارد آهنگسازی فیلم شدم. اولین کار سینمایی هم که انجام دادم در واقع یک اتود بود برای فیلمی که آهنگسازهای نام‌آشنایی جزو گزینه‌های آهنگسازی برای آن اثر بودند، اما همان اثری که من تولید کرده بودم روی فیلم قرار گرفت و باعث شد تا نام من به‌عنوان آهنگساز فیلم شناخته شود و نام آن فیلم «بدرود بغداد» بود. سخاوت‌دوست بااشاره به این‌که فیلم موقعیت مهدی بیشترین تأثیر را روی او گذاشته، گفت: یکی از فیلم‌هایی که روی من بسیار تأثیر گذاشت، موقعیت مهدی، هادی حجازی‌فر است و آنچه در این فیلم برای من تأثیرگذار بود نشان دادن تمام زوایای احساسی یک انسان امروزی مانند عشق، خشم، شجاعت و... در فیلم بود. در واقع این فیلم مجموعه‌ای روان‌شناختی از تمام احساسات و عواطف بوده که نکته مهم آن این است که این آدم خدیی نیست، بلکه انسانی عادی بوده که به ایرانسان تبدیل شده است. او درباره این‌که سینما برای او یادآور چیست توضیح کرد: سینما برایم یک معجزه دارد و هر فیلمی که برایم یخش می‌مهدی، انگار مرا از این جهان خارج می‌کند و وارد جهان دیگری می‌شوم و این معجزه سینما باعث می‌شود به تجربه متفاوتی دست پیدا کنم. در واقع سینما برایم امکان زیست دیگری را فراهم می‌کند و من با سینما زیست متفاوتی را تجربه می‌کنم. سینما مانند این است که به شما فرصتی چندباره برای زندگی در موقعیت‌های مختلف بدهند و به همین دلیل است که سینما یک معجزه است.



تمدید مهلت ارسال آثار به جشنواره سینماحقیقت

مهلت ارسال اثر به هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» به دلیل درخواست تعدادی از صاحبان آثار برای آماده شدن نسخه نهایی فیلم‌های خود تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۳ تمدید شد. بخش‌های جشنواره شامل مسابقه

ملی، مسابقه بین الملل، جایزه شهید آوینی، «غزه، فلسطین، مقاومت»، بخش‌های جنبی ملی و بین الملل و بزرگداشت می‌شود؛ امکان ثبت‌نام در سایت برای حضور در جشنواره سینماحقیقت امکان‌پذیر است. در فراخوان جشنواره آمده: دنیای امروز، دنیای عبور از یکجانبه‌گرایی و تک‌صدایی است؛ جهان روزهای سخت ولحظه‌های غرورآفرین، سینماحقیقت فرصتی برای شنیده‌شدن بزواک جهان چندصدایی است. با این رویکرد، امسال در بخش «غزه، فلسطین، مقاومت» به آثاری با موضوع مقاومت، فجایع انسانی و نسل‌کشی در غزه توجه خواهیم کرد. همچنین می‌کوشیم کاشف استعداد‌های تازه و آثار خلاقانه و تماشایی در سینمای مستند باشیم. در بخش ملی آثاری می‌توانند متقاضی حضور در جشنواره باشند که بعد از فروردین ۱۴۰۳ تولید شده باشند و قدردانی هم در جشنواره سینماحقیقت انجام خواهد شد.

رویداد



پیام رئیس سازمان سینمایی به مناسبت روز ملی سینما

محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی روز ملی سینما را با انتشار پیامی تبریک گفت. بخشی از متن خزاعی به این شرح است: قدرت بی‌مانند سینما را در اعتلای یک جامعه نباید نادیده بگیریم، چراکه به‌واسطه شعاع فراگیری که دارد هم می‌تواند انسان تربیت کند و هم جوامع را متحول سازد. سوپه دیگر سینما، می‌تواند ویرانگر و مخرب باشد. چنانچه، بی‌توجه به مبانی تمدنی، بنیان‌های انسانی و نظام اخلاقی به سراغش برویم، می‌تواند خطر ساز و آسیب‌زننده باشد.

سینما در کشور ما هم، تاریخ پریشیب‌وفزاری دارد. بیش از چهار دهه پس از انقلاب اسلامی قدم‌های بلندی برای توسعه و شکوفایی آن برداشته شده و اکنون، ثمره این نگاه، سرمایه ارزشمند خاطرات جمعی و مشترک ما از گرمای حضور سینما طی چند دهه گذشته است.

سیر نزولی سینمای ایران به سمت ابتذال در برخی ادوار، هم مدیران فرهنگی و هم صاحب‌نظران و دغدغه‌مندان این عرصه را نگران کرده و هنوز هم، با وجود پالایش‌ها و تحولات بسیار، این نگرانی در بزرگان و پیشکسوتان سینما وجود دارد.

قاب



یادی از سید شهیدان اهل قلم در روز سینما

تقارن تولد ۷۷ سالگی شهید سیدمرتضی آوینی به‌عنوان یکی از سینماگران و مستندسازان برجسته عرصه انقلاب و دفاع مقدس با روز ملی سینما فرصت خوبی برای یادآوری نقش متفاوت این شهید در تولیدات فرهنگی کشور پس از پیروزی انقلاب و ارائه روایتی متفاوت از هشت سال دفاع مقدس است. شهید آوینی سخنرانی و مقالات بسیاری درباره سینما دارد که در آنها در مورد ماهیت سینما و تجاربش در فیلمسازی مستند سخن گفته است. «روایت فتح» یکی از شناخته‌شده‌ترین آثار این شهید اهل فرهنگ و هنر است.